

گفت: باتوجه به موقعیت جغرافیایی وتابش بالای خورشید در استان، توسعه نیروگاه‌های خورشیدی می‌تواند به رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی کمک شایانی بکند. وی افزود: مرکز خدمات سرمایه‌گذاری استان با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط تلاش کرده بسترهای لازم برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در حوزه انرژی‌های پاک فراهم شود. این سرمایه‌گذاری خارجی گامی مهم در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار در استان است.

**جذب سرمایه بیش از یک میلیون یورویی برای نیروگاه‌های خورشیدی در خراسان جنوبی**  
مدیر کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی از جذب یک میلیون و ۴۸۳ هزار یورو سرمایه برای ساخت و توسعه نیروگاه‌های خورشیدی در این استان خبر داد. مرتضی ذاکریان با بیان اینکه خراسان جنوبی دارای ظرفیت‌های بالقوه و گسترده‌ای در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه انرژی خورشیدی است،

اینترنت و برق روند کار را با اختلال مواجه کرده است. محمودرضا معموری، معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار خراسان شمالی نیز با انتقاد از عملکرد اتاق تعاون استان اظهار کرد: اتاق تعاون نیروناسته نقش مؤثر خود را در توسعه اقتصاد استان ارائه دهد و اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید هرچه سریع‌تر تکلیف آن را مشخص کند. مهدی کرامتی، مدیر کل صمت خراسان شمالی هم گفت: مصوبه‌های سفر دولت ظرفیت مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری و تقویت تولید است.

**۹۹ درصد کارت‌های تعاونی‌های مرزنشین خراسان شمالی غیرفعال است**  
مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی خراسان شمالی گفت: در حال حاضر ۱۱ شرکت تعاونی مرزنشین با عضویت ۱۱۳ هزار نفر در استان فعالیت دارند؛ اما متأسفانه ۹۹ درصد کارت‌های این تعاونی‌ها بدون اعتبار است. محمد خوش‌آیینی در جلسه شورای تعاون خراسان شمالی با اشاره به مشکلات فرایند تمدید کارت‌ها افزود: اعضای تعاونی‌ها برای تمدید اعتبار کارت‌ها ناچار به مراجعه به بخش‌های آنها هستند؛ اما قطعی‌های مکرر

**پیام مردم @QudsKhorasan**

دخترم رو ننوشتن. هر مدرسه برای اتباع یک هزینه در نظر گرفته. یک مدرسه یک میلیون تومن و مدرسه دیگه ۳ میلیون تومن. مدرسه دیگه‌ای رتم گفتن ۳ میلیون تومن بریز که اسم دخترت رو بنویسیم. به خدا سه ماه کرایه خونه مون مونده. سه تا دختر کوچیک دارم که بزرگه امسال کلاس اول می‌ره. یکم رحم کنن. جای دوری نمی‌ره. به خدا گریه کردم ندارم ۳ میلیون تومن بدم. ماهم مثل شما آدم هستیم.

**دولت که گفته بود اعتراض کنید برای دهک بندی و هر ۶ ماه یک بار بررسی انجام می‌شه، پس کجاست این نتایج اعتراضات؟ مردم را مسخره کردن؟ آگه نیاز نداشته باشیم که اعتراض نمی‌کنیم. چرا دولت به فکر کارگران نیست؟**

**چرا اصلاً به محله مهر مادر اهمیت نمی‌دن؟ اون از مینی‌بوس‌ها که به این روز درآوردن و تا خواجه‌ربیع باید دو تا ماشین نشست تا رسید به ایستگاه اتوبوس و مینی‌بوس. این هم از جمع شدن زباله‌های محله مهر مادر ۲۹ آخه این درسته؟**



**یک خانواده پنج نفره هستیم. حدود ۶۴ سال دارم و در خانواده من به جز همسرم کس دیگه‌ای سهام عدالت نداره. این چه قانونیه که نصف مردم سهام دارن نصفشون نه؟ این وسط حق ما ضایع شده.**

**من پاكبانم و خیلی بار روی دوشمه که چون کارگرم، هر چیزی رو باید تحمل کنم. یکی از اهالی محله‌ای که اونجا مشغول کارم، جلو در خونه‌اش بنایی کرده و خاک ریخته، به من زور می‌گه که خاک‌ها رو جمع کن. واقعا ظلمه. مگه جمع کردن این چیزا کار منه؟**

**ما تقاضای اتوبوس داریم. آگه توی شهر کاری داشته باشیم، با آنانس باید بریم و هزینه زیادی داره. از داودآباد به اراک وسیله دولتی نیست و با خودرو شخصی باید بریم اراک که کرایه‌اش سرسام‌آور. لطفاً رسیدگی کنید.**

**پاسخ روابط عمومی اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات خراسان رضوی به گلایه مخاطب قدس در خصوص مشکل اینترنت و نبود آنتن تلفن همراه در روستای همت آباد موهولات**

با سلام، به اطلاع می‌رساند در حال حاضر پوشش کامل مکالمه و اینترنت پرسرعت از محل اپراتورهای همراه اول و ایرانسل تأمین شده و اگر ضعف پوشش در نقطه خاصی از روستا مدنظر است، باید مراتب را از طریق ثبت شکایت در سامانه ۱۹۵ پیگیری کنید.

**چرا آموزش و پرورش بر هزینه‌های ثبت‌نام نظارتی نداره؟ هر مدرسه‌ای یک هزینه‌ای می‌گیره! برای ثبت‌نام بصرم که کلاس دهمه، ۴ میلیون تومن گرفتن به جز هزینه کتاب و لباس فرم. مردم از کجا می‌خوان پول بیارن با این گرونی و درآمد کم کارگری؟ بعد مسئولین توقع دارن مردم بچه‌دار هم بشن.**

**به خاطر قطعی برق تلویزیون ما سوخت. به کجا باید شکایت کنیم؟ تا کی ادامه داره این قطعی‌ها؟**

**چی به دارایی ما اضافه شده که از دهک ۶ رسیدیم به ۹؟ با جنس‌های به این گرونی می‌خوان یارانه‌ها رو هم قطع کنن؟ چی باید گفت به این مسئولین؟**

**راننده کامیون هستم و شب و روز کار می‌کنم اون هم با قیمت هر ۲۴ ساعت ۷۰۰ هزار تومان که آگه برم سر کار حقوق دارم و اگر نرم، حقوقی ندارم. دولت اومد رانندگان ماشین سنگین را بیمه تکمیلی کرد اون هم توی اعضای خانواده فقط دو تا بچه رو جواب میده. عید عمل انجام دادم ۱۵ میلیون تومن هزینه عمل شد و کل مدارک رو اردیبهشت تحویل بیمه‌ای دادم که با اداره راهداری قرارداد داره؛ اما با گذشت نزدیک به پنج ماه هنوز هزینه‌ای برام واریز نشده و متأسفانه هر وقت میرم برای واریزی پول بیمه، کسی پیگیری نمی‌کنه. از نیمه مرداد هم کلاً قرارداد راهداری با بیمه مذکور تموم شده و با شرکت دیگه‌ای قرارداد بسته. لطفاً مسئولین به فکر راننده‌های ماشین سنگین باشند. الان کدوم بیمه تکمیلی می‌خواد هزینه درمان ما را واریز کنه؟**

**فرزند بزرگم ۱۵ سال داره و بچه کوچیکم ده ساله است و سهام عدالت ندارند. دیگه کی دولت می‌خواد به جامانده‌ها سهام بده؟ آگه اسمش سهام عدالت، چرا بی‌عدالتی می‌کنند و مثل یارانه که به صورت خودکار برای فرزند تازه متولد شده واریز می‌شود، انجام نمی‌دهند؟ همیشه هم سایت بسته است.**

**خط ۲۲ خیلی توقف داره و از میدون شهدا دیر حرکت می‌کنه. ۲۰ دقیقه توی اتوبوس بودم برای مسیری که چند تا ایستگاه هست. متأسفانه از شهدا به سناباد همین طور هست. خواهشاً برای وقت مردم ارزش قائل بشید.**

**برای ثبت‌نام سهام عدالت اسم نوشتم؛ ولی هیچ ثبت‌نامی برای من انجام نشده. آیا برای کسانی مثل ما که احتیاج دارند، فکری می‌کنند؟**

**عجب زندگی‌ای شده. از پارسل تا اسمال من همون کارگر ساده هستم و هیچ دارایی‌ای هم ندارم؛ ولی از دهک یک اومدم چند تا بالاتر. نکنه دارایی پولدارها رو به اسم ما می‌زنن؟ سامانه اعتراض به دهک‌بندی هم که اصلاً جوابگو نیست.**

**در منطقه شهید رجایی خیابان معقول زندگی می‌کنیم. برق ما ساعت ۶ تا ۸ شب میره و خیلی تاریکه. من بچه کوچک دارم. حداقل ساعت قطعی برق رو توی روز بنذارید.**

**من جزو اتباع هستم که مادرم مشهد به دنیا اومده و ۶۰ ساله مشهد زندگی می‌کنیم. ایران رو خاک و جان خودمون می‌دونیم؛ ولی چرا بعضی از ایرانی‌ها جوری رفتار می‌کنن که انگار دشمن هستیم؟ دخترم کلاس اولی هست. چند تا مدرسه رفتن و با بدرقتاری اسم**

**شهید سید حسن حسینی نژاد از شهدای مشه‌دی جنگ تحمیلی ۱۲ روزه است که همسرش از ارادت و افروش به حضرت زهرا (س) و آرزومندی او به شهادت می‌گوید**

**رزق شهادت؛ ثمره دعای مادر و همسر**



پس از شهادت همسر یکی از همکارانش وسایل او را آورد و بیان کرد «از بین وسایل همه شهدا فقط وسایل شهید حسینی نژاد را توانستم پیدا کنم و بیاورم». آن موقع فهمیدم با انتخاب ساکی که اسمش روی آن نوشته شده بود، می‌خواست پس از شهادت وسایلمش به دست من برسد.

نظرزاده ادامه می‌دهد: آخرین لحظات دیدارمان همان صبح شنبه ۲۴ خرداد بود که همسر را تا میدان آزادی مشهد که وعده‌گاهش بود، رساندم. در مسیر درباره مسائل جنگ با همدیگر صحبت کردیم و من به او گفتم «جنگ است دیگر، ما هم که از کشته شدن و شهادت نمی‌ترسیم و این آرزو و افتخار ماست؛ اما آدم دلپره داره». همسر پاسخ داد «نه اصلاً دلپره نداشته باش؛ چرا که برای ما و کشور هیچ اتفاقی نمی‌افتد و تا وقتی ما هستیم، هیچ اتفاقی نمی‌افتد». تا اینکه به میدان آزادی مشهد رسیدیم و با هم خداحافظی کردیم. همان شب با من تماس گرفت و گفت «من می‌خواهم بروم جایی و کار دارم» و خداحافظی کرد. این آخرین مکالمه ما بود و در نهایت با مدام دوشنبه همسر به شهادت رسید.

برای بچه‌ها آواز می‌خواند و شب‌ها هم برایشان لالایی می‌گفت، خاطرنشان می‌کند: حاصل ازدواجمان سه دختر و یک پسر است؛ سیده‌زهراسیزده‌ساله، محمدده‌ساله، سیده‌فاطمه دوسال و نیمه و سیده‌فاطمه‌زهرام پانزده‌ماهه است. البته ما او را در خانه ریخته صدا می‌زنیم و اسم شناسنامه‌ای او فاطمه‌زهراست. این نام‌گذاری دخترها هم به دلیل ارادت زیاد همسر به حضرت فاطمه (س) بود و می‌گفت «اگر ۱۰ تا دختر هم داشته باشم، می‌خواهم اسم همه آن‌ها را فاطمه بگذارم».

همسر شهید سید حسن حسینی نژاد با بیان اینکه همسر خیلی اهل طبیعت‌گردی و سفر بود و ما معمولاً سالی دو سه بار مسافرت‌های زیارتی و تفریحی می‌رفتیم، درباره خاطره‌اش از سفر راهیان نور می‌گوید: آن موقع دختر بزرگم یک‌ساله بود. همسر وسط گل‌های شقایق نشست و به من گفت «بک عکس شهیدایی از من بگیر که اگر شهید شدم، این عکس را از من داشته باشی».

او درباره خاطره‌ای از مهربانی همسر شهیدش در سفر پیاده‌روی اربعین نیز اظهار می‌کند: در این سفر همسر همه وسایل را در کوله‌پشتی خودش گذاشته بود و من ناراحت بودم و می‌گفتم «بیا وسایل را تقسیم کنیم یا هر کس وسایل خودش را بردارد تا شما خسته نشوید»؛ اما همسرم فاطمه می‌کرد و می‌گفت «نه نیازی نیست، شما فقط بیا و چادرت را بگیر. نمی‌خواهد وسایل را برداری».

نظرزاده می‌افزاید: همیشه به همسر می‌گفتم اگر می‌خواهی لباس را اتو کنم که چروک نداشته باشی یا اگر لباس هایت کثیف شده، بگو تا بشویم؛ اما او چون نمی‌خواست برای من زحمتی ایجاد کند، هیچ‌وقت درباره کارهای شخصی‌اش از من کمک نمی‌گرفت و از من کاری نمی‌خواست.

فریده خسروی آتان که یک روز در میانه راه زندگی از میان هزاران ششلی که می‌توان با هر کدام از آن‌ها به رفاه‌نسیبی و کنج‌عافیت رسید؛ اما لباس رزم و خطر را برمی‌گزینند، همان کسانی هستند که شهید سید مرتضی آوینی در وصفشان گفته است «شهید منتظر مرگ نمی‌ماند. این او است که مرگ را برمی‌گزیند».

پاسدار و ارتشی‌ای که رزم در راه دفاع از وطن را پیشه خود می‌کند تا انتهای ماجرا دیده‌است؛ انتهایی که «عند ربهم رفیقون» می‌شود. این نکته را در کلام همه همسران شهدای نظامی می‌توان دید که چگونه خود را برای این پایان باشکوه از سال‌ها پیش آماده کردند و چه زیبا این اصحاب آخرازمانی سپاه حضرت مهدی موعود (عج) جان شیرینشان را در راه اعتلای دین و وطن در دست گرفتند و نثار و ایثار کردند.

شهید سید حسن حسینی نژاد نیز از همان پاسداران میهنی است که از سال‌ها پیش با برکز بدن لباس سبز پاسداری چشم انتظار لحظه دیدار محبوب بود و برای رسیدن به آن دست به دامان پاک مادر و همسرش شد تا آن‌ها با رضایت کامل، دعاایشان رسیدن او به آرزویش که شهادت باشد.

زینب نظرزاده، همسر این شهید بزرگوار که در روزهای ابتدای دفاع مقدس ۱۲ روزه به شهادت رسید، درباره ماجرای آشنایی و ازدواجشان می‌گوید: مادر همسر در مشهد همسایه خاله‌ام بود. یک روز در مورد ازدواج پسرشان با خاله‌ام صحبت کرده بودند و خاله‌ام من را به مادرشوهرم معرفی کرد. خرداد سال ۸۹ بود که خاله‌ام درباره این موضوع با ما صحبت کرد؛ اما به دلیل اینکه من دختر کوچک‌تر خانواده بودم و خواهر بزرگ‌ترم هنوز ازدواج نکرده بود، پدرم مخالفت کرد. چند ماه گذشت و در شهر پور خاله‌ام دوباره این موضوع را پیش کشید و گفت «بگذارید با هم صحبت کنند». شاید قسمت شد و با هم ازدواج کردند. در همان شهریور ماه همسر و پدر و مادرشان برای خواستگاری از من به شهرستان فردوس آمدند. پدرم پس از اینکه همسر را دید، خیلی به او علاقه‌مند شد و موافقت ۱۰۰ درصدی خود را اعلام کرد. نهم‌مهر همان سال مقصد ۲۳ آبان سال ۹۰ زندگی مستقلمان را آغاز کردیم.

او که همسرش دانش‌آموخته مهندسی مکانیک بود و در هوا فضای سپاه پاسداران خدمت می‌کرد، درباره ویژگی‌های بارز همسر شهیدش بیان می‌کند: همسر خیلی متدین و باعقربود و خیلی رهبر معظم انقلاب را دوست داشت. از همان نخستین روزهایی که ازدواج کردیم، همیشه از شهادت صحبت می‌کرد و می‌گفت «می‌خواهم به واسطه کمک به کشورم، عاقبتم به شهادت ختم شود».

**اگر ۱۰ تا دختر داشته باشم، اسم همه را «فاطمه» می‌گذارم نظرزاده با بیان اینکه همسر خیلی مهربان و شوخ‌طبع بود، در منزل**

**گوش شنوا و دست پیگیر شما در تریبون مردمی قدس صدات رو به مسئولین برسون**

شناسه ما در فضای مجازی @QudsKhorasan

**مراقب عبور کودکان از خیابان باشید**

**درهای اتوماتیک**

**آسانسور**

**صعود آسانتر صدرا**  
نصب، اجرا، سرویس و نگهداری انواع آسانسور ۳۸۸۲۴۶۹۴

**کرایه خودرو**

**کرایه اتومبیل علیرضا شاهزبانی**  
خودرو با راننده و بدون راننده ایرانی و خارجی (رهنورد) ۰۹۱۵۵۱۱۵۴۹۳-۳۶۰۶۶۶۶۶

**میلاد در**  
مجری کلیه سیستم‌های **درب اتومات**، شیشه‌ای، جکی، ریلی، کرکره‌ای، راهبند ۰۹۱۵۱۱۵۴۹۳ ۳۸۶۹۶۸۶۸

**پذیرشی ۳۷۰۸۸ آگهی**